



ارتباط با ما ۰۹۰۰۲۳۰۴۸۸۵



شهید احمد محمود

گفت‌وگوی «جوان» با سکینه رسلان

همسر شهید احمد محمود وهبی معروف به ابو‌حسین سمیر

فرماندهی که امین سید حسن نصرالله بود

■ اسراء حمادی

زندگی شهید احمد محمود، فرمانده و مربی نیرومند مقاومت اسلامی نمادی از ایمان، فداکاری و تواضع بود. از تولد در خیابان قدس صیدا در جنوب لبنان تا حضور فعال در صفوف مقاومت و فرماندهی واحد رضوان، او با شجاعت، هوشمندی و دل‌سوزی هم در میدان نبرد و هم در اردوگاه‌های آموزشی الگویی بی‌نظیر بود. از عملیات‌های پیچیده نظامی تا آموزش نخبگان، همه مراحل زندگی او سرشار از فداکاری، تواضع و رهبری عملی بود. حتی در آخرین روزهای زندگی، حاج احمد با آگاهی کامل از خطرات و شهادت‌با قلبی آرام و ایمانی استوار، مسیر خود را ادامه داد و میراثی از شجاعت، ایمان و اخلاق برای خانواده و جامعه مجاهدان بر جای گذاشت. ابو‌حسین در روز ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ مصادف با ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ به‌دست رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. یک هفته بعد نیز سید حسن نصرالله شهید شد. آنچه در ادامه می‌آید حاصل گفت‌وگوی «جوان» با سکینه رسلان، همسر شهید احمد محمود وهبی معروف به ابو‌حسین سمیر است.

برای ورود به مصاحبه کمی درباره تولد و شکل‌گیری شخصیت شهید یگوییید.

شهید احمد محمود اول نوامبر ۱۹۶۴ در صیدا، جنوب لبنان و در خیابانی به نام «قدس» چشم به جهان گشود؛ نامی که از آغاز با زندگی و شهادتش پیوند خورد. او جوانی و مجاهدت خود را وقت قدس کرد و همواره آرزو داشت در حریم آن نماز بگذارد، آرزویی که سرانجام با شهادت در همین مسیر جودانه شد. پدرش مردی خرمند و صاحب‌منصب و مادرش بانویی باایمان و اخلاق والا بودند و شهید بسیاری از صفات نیکوی خود را از آنان به ارث برد. دوران جوانی‌اش در صیدا با مشاهده رنج فلسطینیان در اردوگاه‌ها و حضور گروه‌های

و برادران مؤمنش صدق نمی‌کرد. هر چه او در اردوگاه‌ها حضور بیشتری داشت و تجربه‌های جنگی و مسئولیت‌های مهم‌تری به عهده می‌گرفت، تواضع، ایمان و مهربانی‌اش نسبت به خانواده و برادران مجاهد افزایش می‌یافت. حتی پس از روزهای طولانی و خسته‌کننده در کارهای خانه کمک می‌کرد، کم حرف و اهل تفکر بود و هیچ‌گاه با خانواده‌اش عصبانی برخورد نمی‌کرد. نگاه او آرامش‌بخش بود و با زبان و عملش دعوت‌کننده به سوسی خدا بود. روزی در شرایط برفی و پس از عمل جراحی، حاج احمد خانه را ترک کرد تا به جوانان در اردوگاه کمک و راه را برای آنان باز کند. وقتی بازگشت، زخمش خون‌ریزی داشت. این نشان از تعهد و مسئولیت‌پذیری بی‌حد او نسبت به برادران مجاهد حتی در شرایط بیماری و سختی داشت.

شروع حضور او در صفوف مقاومت اسلامی چگونه بود و چه عواملی او را از ابتدای تشکیل این مقاومت به پیوستن ترغیب کرد؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران جرقه‌ای بود که روح انقلابی را در دل احمد محمود شعلور ساخت. او امام خمینی (ره) را رهبر و الهام‌بخش خود می‌دانست و از کلام و مواضعش راه چهار را می‌آموخت. در سال ۱۹۸۲، همزمان با تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، در حالی که تنها ۱۸ سال داشت و در آستانه پایان دبیرستان بود، تحصیل را رها کرد و به صفوف مقاومت پیوست؛ تصمیمی برآمده از ایمان، عشق به فلسطین و تبعیت از رهنمودهای امام خمینی مبنی بر ضرورت مبارزه با اسرائیل، همراه جمعی از جوانان مؤمن از جمله برادرش حاج محمد، نخستین هسته‌های مقاومت را شکل دادند و با جمع‌آوری سلاح‌های باقیمانده از نبردها، پایه‌های جهاد اسلامی را استوار کردند. حاج‌احمد از همان آغاز در صف بنیان‌گذاران مقاومت جای گرفت، نسلی که سلاح را به قلب دشمن فرو برد و بعدها در رهبری این جریان نقش‌آفرین شد.

هنگام شرکت در بسیاری از عملیات‌های نظامی علیه اشغالگری اسرائیل چه احساسی داشت؟

آیا لحظات خاصی از آن دوران هنوز در ذهن‌تان باقی مانده‌است؟

روحیه و ایمان حاج احمد محمود هنگام شرکت در عملیات‌های نظامی علیه رژیم صهیونیستی وصف‌ناپذیر بود. او در آغاز جوانی، تحصیل و زندگی عادی را رها کرد تا همراه برادران و جوانان مؤمن، گروه‌های مقاومت را تشکیل دهد و دشمن را به چالش بکشد. هر موفقیت در عملیات، حس عزت، شرافت و تحقق هدف را در او تقویت می‌کرد. در نخستین سال‌های مقاومت، عملیات‌ها با امکانات محدود و در قالب گروه‌های کوچک انجام می‌شد. برای نمونه، در یکی از عملیات‌ها حاج احمد چندین بار تلاش کرد بمبی را علیه یک گشتی اسرائیلی منفجر کند و نهایتاً با توکل بر خدا موفق شد. همین دقت و صبر موجب شد خسارت دشمن بیشینه شود. برادران و جوانان مؤمن، گروه‌های مقاومت را تشکیل همواره همراه گروه، مجاهدان بازگشته از عملیات را مورد استقبال قرار می‌داد و به آنها احترام می‌گذاشت. در یکی از این دیدارها، حضور سید عباس الموسوی پس از یک عملیات جهادی، جلوه‌ای از رهبری و تعهد مجاهدان را برای او به نمایش گذاشت و یادآور این بود که رهبران واقعی، راهشان را تا پای شهادت ادامه می‌دهند.

جزئیات بازداشت همسر‌تان در سال ۱۹۸۴ از سوی اسرائیل و تأثیر آن بر او و خانواده‌اش چیست؟

حاج احمد محمود در سال ۱۹۸۴ تجربه دومین اسارت خود به دست رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشت. نخستین بار در سال ۱۹۸۲ به ظن دخالت در عملیات علیه نیروهای دشمن در ایستگاه بازرسی کفر‌قلاوس بازداشت و پس از حدود یک ماه به دلیل نداشتن مدارک کافی آزاد شد. پدر او به پاس آزادی‌اش نذری ادا کرد و حاج‌احمد در همان سال به حج رفت. در اسارت دوم، او تحت مراقبت شدید قرار گرفت و پس از بازداشت از سوی نیروهای لبنانی، شکنجه و سپس به ارتش دشمن تحویل شد. از زندان انصار به زندان الخيام و پس از آن به زندان عتلیت منتقل شد. او حدود یک سال در اسارت بود تا اینکه در یک عملیات تبادل آزاد شد. عملیاتی که طی آن شیخ احمد یاسین، فرمانده زیاد نخاله و گروهی از مجاهدان نیز آزاد شدند. این تجربه سخت‌ن تنها روحیه‌ او را تقویت کرد، بلکه خانواده و مقاومت را در شناخت استقامت و پایدردی او مصمم‌تر ساخت.

نقش شهید به عنوان فرمانده در عملیات انصاریه ۱۹۹۷ و مهم‌ترین لحظات آن چه بود؟

حاج احمد محمود یکی از فرماندهان میدانی عملیات انصاریه بود و از مرحله برنامه‌ریزی تا اجرا در آن نقش



حاج احمد محمود از ابتدای عملیات «طوفان الاقصی» به میدان نبرد پیوست و مدت طولانی از خانه دور بود تا جایی که تماس‌ها و رفت‌وآمدها یش بسیار نادر شد. او در این مرحله حساس، با تمام تخصص و تجربه خود، فرماندهی عملیات نیروی رضوان را برعهده داشت. حزب‌الله در بیانیه رسمی شهادت او تأکید کرد این عملیات‌ها دشمن را به شدت متضرر کرد

داشت. دشمن نیز با اذعان رسمی اعلام کرد برونده این عملیات پس از کشته شدن حاج احمد وهبی و حاج ابراهیم عقیل بسته شد. آنها از اهداف مهم دشمن در طول مدت گذشته بودند که به دلیل موفقیت‌های متعدد به ویژه عملیات انصاریه، تحت تعقیب قرار داشتند. همسر شهید به یاد دارد که در شب عملیات، او ابتدا خانواده را به خانه والدین همسرش رساند تا در صورت شهادتش دغدغه‌ای نداشته باشند. صبح روز بعد، پس از عملیات، او با شادمانی فرزندان را به محل درگیری برد تا بقایای تجهیزات و آثار نبرد را ببینند و نشان دهد انتقام خون برادران شهیدش



شهید احمد محمود در کنار شهید سید حسن نصرالله

تجربه عملی و توانمندی‌هایش در دوره‌های تخصصی سطح بالا شرکت کرده و مدارکی از دانشگاه‌های ایران در مدیریت و دیگر زمینه‌ها داشت. او انسانی بود که زندگی و زمان خود را وقف کار و موفقیت در مسیر جهاد می‌کرد و راحتی شخصی برایش اهمیت نداشت، بلکه رضایت خدا و برآورده شدن مأموریت را در اولویت قرار می‌داد.

در زندگی جهادی شهید آمده‌که ایشان مسئولیت آموزش در نیروی رضوان را تا سال ۲۰۱۲ به عهده داشت. تأثیر او در توسعه این نیرو چگونه بود؟

پس از جنگ سال ۲۰۰۶، حاج عماد مغنیه تصمیم گرفت نیرویی متشکل از نخبه‌ترین مجاهدان مقاومت ایجاد کند تا مأموریت‌های ویژه و دشوار را برعهده بگیرند. این نیرو بعدها به «واحد رضوان» مشهور شد. حاج احمد محمود پس از اثبات توانایی خود در تدوین برنامه‌های آموزشی سطح بالا، مسئولیت آموزش این نخبه‌ها را برعهده گرفت و پس از شهادت حاج ابوفضل عبتاوی تا سال ۲۰۱۰ ادامه داد تا زمانی که مسئولیت واحد آموزش مرکزی را پذیرفت. او به‌طور مستمر توسعه مدارس رزمی جهانی و تحلیل دشمن را پیگیری می‌کرد تا نیروها را برای مأموریت‌ها آماده کند. واحد رضوان در جنگ ماه می ۲۰۰۶ عملکردی موفق و چشمگیر داشت و سپس در نبردهای سوریه، از حومه القصر تا البکمال، نقش مؤثری ایفا کرد. عملکرد برجسته این نیرو و رهبری حاج‌احمد در آموزش نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک و توانمندی‌های او بود.



شهید احمد محمود در کنار شهید سید حسن نصرالله

نحوه رهبری شهید بر نیروی رضوان تا اوایل ۲۰۲۴ و ویژگی‌های شخصیتی او در مدیریت مسئولیت‌های متعدد چگونه بود؟

هر واحدی طبیعت و ویژگی‌های خاص خود را دارد، و زیر مأموریت‌ها و نوع کار متفاوت است. حاج احمد همیشه در هر مکانی برانرژی و فعال بود، اما واضح است رهبری نیروی رضوان مسئولیتی بسیار سنگین است به‌ویژه که او در دوران جنگ سوریه این مسئولیت را بر عهده گرفت و تا طوفان قدس ادامه داد، یعنی دوره رهبری او دوره تلاش فراوان، خستگی و پرخطر بود. با این حال، همیشه بیانیه‌های دشمن درباره ترس از این نیرو پس از رشد شگفت‌انگیزش و آرزوی نابودی آن شنیده می‌شد. کسی که حاج‌احمد را می‌شناسد می‌داند که او در دوره رهبری این نیرو بسبب‌ای از وظایف اجتماعی خود را به دلیل حجم کار در آماده‌سازی و توسعه این نیرو کنار گذاشت به‌ویژه با توجه به شرایط امنیتی که تشدید شد. توسعه نیرو برای او دغدغه اصلی بود و خدا را شکر این تلاش



روزنامه جوان | شماره ۷۳۹۸

و زحمت بی‌شمر نم‌انند. می‌توانیم حضور حاج ابو‌حسین سمیر را در مقاله‌های قهرمانانه در نبرد اخیر ببینیم. کوجه‌های الخيام، شمع و کفر یکلا و دیگر روستاهای جبهه گواه آن هستند که برادران حاج‌احمد در حد مسئولیت بودند، دشمن را به سختی رساندند و مانع هر گونه پیروزی نظامی زمینی آنها شدند. تمام آن روزها و شب‌هایی که او سبری کرد دور از آرامش و رفاه دنیوی بود، ثمرهای جز پیروزی و دفاع از این امت نداشت. هر گاه زندگی او را مرور می‌کنم، جمله امام علی (ع) درباره برادر مؤمنش به یادم می‌آید: «دنیا در چشمش کوچک بود.» نگاه حاج احمد به دنیا همینطور بود.

همسر‌تان چگونه با حملات تکفیری‌ها در مرزهای شرقی لبنان بر خورد و چگونه عملیات نظامی مقابله با آن حملات را رهبری می‌کرد؟

در جریان عملیات آزادسازی ارفاعات، حاج احمد محمود مدتی طولانی از خانه دور بود و تنها پس از پایان موفقیت‌آمیز مأموریت بازگشت. برادران مجاهد او را کسی می‌دانستند که اتاق‌های فرماندهی را ترک می‌کرد و شخصا به میدان نبرد می‌رفت تا اطلاعات دقیق کسب و تصمیم‌های راهبردی اتخاذ کند، حتی با وجود خطرات شدید. از شب‌زنده‌داری‌ها، خواب کم و شرایط سخت‌او در کنار برادران مجاهد، زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای یخبندان زمستان، بسیار گفته‌اند. او با آرامش، صبر و تسلیم در برابر اراده الهی، به میدان می‌رفت و از آذساری از تفاعات و ضرورتی انکارناپذیر می‌دانست که تنها با تلاش و فداکاری برادران مجاهد تحقق می‌یافت.

برجسته‌ترین عملیات‌های نظامی که همسر‌تان در جبهه پشتیبانی لبنان رهبری کرد به‌ویژه در جریان نبرد «طوفان الاقصی»، کدام‌ها بودند و او چه احساسی داشت وقتی عملیات‌ها پیشروی می‌کردند؟

حاج احمد محمود از ابتدای عملیات «طوفان الاقصی» به میدان نبرد پیوست و مدت طولانی از خانه دور بود، تا جایی که تماس‌ها و رفت‌وآمدهایش بسیار نادر شد. او در این مرحله حساس با تمام تخصص و تجربه خود، فرماندهی عملیات نیروی رضوان را برعهده داشت. حزب‌الله در بیانیه رسمی شهادت او تأکید کرد این عملیات‌ها دشمن را به شدت متضرر کرد و شامل عملیات‌های خاص و کوبنده‌ای بود که اثری چشمگیر بر جریان نبرد داشت.

پس از شهادت حاج و سام الطویل، همسر شما بار دیگر مسئولیت واحد آموزش مرکزی را بر عهده گرفت. این تغییر چه تأثیری بر اسارت‌آزای‌های آموزش‌شی در درون مقاومت گذاشت؟

پس از شهادت حاج و سام الطویل، حضرت سیدحسن نصرالله (دام‌ظله) حاج احمد محمود را مأمور کرد مسئولیت واحد آموزش مرکزی و چندین پرورنده دیگر در واحد رضوان را برعهده گیرد. او با ایمان و شوق به انجام تکلیف، به این واحد بازگشت و با وجود جریان جنگ پشتیبانی (الاستاد)، تلاش کرد خطرات موجود را به فرصتی برای پیشرفت و توسعه نیروها تبدیل کند.

چرا پیگرد شهید در بعلبک به خاک سپرده شد و در زادگاهش دفن نشد؟

خانواده شهید ابتدا تمایل داشتند او در عدلون به خاک سپرده شود، اما به دلیل شرایط نامساعد آن زمان، تصمیم گرفته شد در بعلبک، جایی که خانواده بیش از ۲۵ سال در آن سکونت داشتند، دفن شود. این انتخاب الهی و به‌موقع بود، چراکه روز دوم پس از دفن، دشمن خانه شهید در عدلون را هدف حمله قرار داد. این امر را خانواده شهید لطف و حمایت خداوند می‌دانند.

لطفاً بر ایمان توصیف کنید دیدار آخر چگونه بود و آخرین حرف‌های او چه بود؟

صبح‌روزی که شهید شد، آخرین دیدار با حاج احمد محمود بود. او حتی فرصت نکرد آخرین فحجان چای و صبحانه‌اش را کامل کند. هنگام تماس تلفنی، گفت کار فوری دارد و با داعی کوتاه، گردنبدش را دور گردنش انداخت و رفت، بی‌خبر از بازگشتش. تا روزهای آخر، بارها به نزدیکان می‌گفت مدت زیادی در این دنیای فانی نخواهد ماند، گویا خود را برای این سفر الهی آماده می‌کرد.

آیا کاری خاص بود که شهید به آن مداومت داشت و به نظر شما باعث شهادتش شد؟

او به انجام این اعمال پایبند بود: غسل جمعه، زیارت عاشورا، دعاهای عهد، توسل و کمیل، روزه گرفتن در تمام ایام ماه‌های حرام (رجب، شهبان و رمضان)، صدقه دادن که برایش اهمیت زیادی داشت.

		۹		۶	
		۳		۲	۸
۶				۱	۷
	۶		۵		۹
		۹		۸	
			۳		۲
		۷		۸	
۲					۴
			۱		۹

۸	۶	۵	۱	۷	۳	۷
۷	۵	۸	۳	۱	۷	۶
۱	۳	۷	۶	۸	۵	۱
۳	۱	۸	۶	۷	۵	۳
۵	۷	۱	۶	۳	۷	۸
۶	۱	۷	۸	۳	۵	۱
۸	۳	۱	۷	۵	۸	۶
۳	۸	۶	۷	۱	۳	۵
۵	۸	۱	۳	۶	۷	۵
۱	۷	۸	۳	۵	۱	۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۲	۶	۵	۴	۳	۲	۶	۵	۴	۳	۲	۶	۵	۴	۳
۳	۷	۶	۵	۴	۳	۷	۶	۵	۴	۳	۷	۶	۵	۴
۴	۸	۷	۶	۵	۴	۸	۷	۶	۵	۴	۸	۷	۶	۵
۵	۹	۸	۷	۶	۵	۹	۸	۷	۶	۵	۹	۸	۷	۶
۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۱۰	۹	۸	۷
۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱۱	۱۰	۹	۸
۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
۱۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۱۳	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۱۴	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌دره فقط یک‌بار

به کارروند.

جدول کلمات متقاطع

➡ پاسخ جدول شماره ۷۳۹۷

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۹۸

از راست به چپ

۱- آهوی افریقایی- وکیل ■ ۲- بازی محلی- از پیامبران که در کودکی به نبوت رسید- گروه محافظان ویژه- خطایی در تنبیس ■ ۳- زگیل- صابون خیاطی- آبادی- پرش عصبی ■ ۴- چاقوی آشپزخانه- مسرور- آماده ■ ۵- کوسفند ماده- مار خطرناک- مهرهای در شطرنج ■ ۶- قسمت تیز کارد- خودداری کردن- مظهر استواری در طبیعت- دومین مهره کردن انسان ■ ۷- رنگ مو- شرط‌بندی- ساحل زندگی- نفس ■ ۸- ورزشی مفید و کم هزینه- صمه ■ ۹- سطح دست- خشک- متقلب- قناله کنجد ■ ۱۰- قرض بانکی- دستگاهی در موسیقی ایرانی- نهی شاعرانه از آمدن- سبزی نقلی ■ ۱۱- پیروان یک دین- سرمه- مذهب ■ ۱۲- افسار- محصول استراتژیک خام‌رومیان- ستاره هلندی اسبقی بایرن مونیخ ■ ۱۳- سرن‌د- برگ برنده- مخفف گاه- برخی به یخت خویش می‌زند ■ ۱۴- پسوند شباهت- جوش صورت- روایت‌کننده- صدمتر مربع ■ ۱۵- دستیار- قیمتی و باارزش

از بالا به پایین

۱- برابر و مقابل- بردباری- مهاجرت دسته‌جمعی- خمیازه ■ ۲- سنگ شکاری- یار خوش- از نت‌ها- شیره فغندر ■ ۳- قلم- بخش هلالی انتهای ناخن ■ ۴- فوندانسیون- همسایه تهران- فلز چهره- بنده و شما- پایه و اساس ■ ۵- آخرین شاه قاجار به- استراحت میان دو پرده نمایش ■ ۶- شهر شب فرانسه- نی‌خیزران- مجلس اعیان ■ ۷- نوعی ویتامین- چوپان- بدون حرکت- نفس خسته ■ ۸- نوبت بازی- کنند ■ ۹- سقف دهان- پایتخت بنگلادش- غذای مجری- جوی خون ■ ۱۰- اولین سلسله‌ای که در ایران تشکیل حکومت داد- ورزشگاه معروف انگلیس- ایستگاه قطار ■ ۱۱- آبزی درودگری- کنایه از آدم بلا تکلیف و آواره ■ ۱۲- عنصر شیمیایی- معاون فراری هیتلر- خانه- از اقمار مشتری- پول زاپن ■ ۱۳- به مدنی آهو ونوعی خودرو- تن‌پرور ■ ۱۴- نو‌عروس هزار داماد- آب‌بند- نوعی شیرینی- رویت و نظاره ■ ۱۵- بی‌احترامی- پندار- اشتباه- زنگ و جرس